

بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن

احمد شفافزاده*

چکیده

این مقاله درصدد بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن است. برای بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه قرآن با نظریه‌های هیرشی از روش تطبیقی استفاده شده است. تراویس هیرشی که از نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی به‌شمار می‌آید، علت اصلی عدم کج‌روی و بزهکاری فرد را پیوندهای اجتماعی او دانسته و به‌نظر او، هم‌نوایی فرد با جامعه عامل اصلی کنترل اجتماعی و پرهیز از کج‌روی است. از منظر قرآن کریم نیز، شیوه‌های مقابله با کج‌روی، به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: کنترل فردی، کنترل اجتماعی، و کنترل قانونی. در این پژوهش، مقوله کنترل قانونی یا نظام مجازاتی اسلام، با موضوعاتی از قبیل اهداف، ویژگی‌های مجازات اسلامی، کارآمدی قضات، و عوامل انتظامی بررسی شده است. همچنین، قرآن برای بازگرداندن کج‌رو از کج‌روی، استفاده از راهکارهای «جامعه‌پذیری دوباره»، «کنترل ارزشی»، و «کنترل عاطفی» را پیشنهاد کرده است. سرانجام، نکته مشترک دیدگاه قرآن و هیرشی این است که میزان دل‌بستگی و تعهدات خانوادگی، دین‌داری، تشکیل خانواده و نظارت والدین، و میزان حمایت عاطفی، اطلاعاتی و مادی که فرد از دیگران دریافت می‌کند، به تقویت پیوند فرد با جامعه کمک خواهند کرد. دریافت حمایت و احساس وجود منابع حمایتی یا حمایت ادراک شده در تقویت دل‌بستگی، تعهد، و باور در مورد هنجارهای جامعه و مواظبت از همنشین در کاهش انحراف مؤثر خواهند بود.

واژه‌های کلیدی: کج‌روی، قرآن کریم، کنترل اجتماعی، وابستگی، مواظبت از همنشین، تعهد، باورها، هیرشی، جامعه‌شناسی

* عضو هیئت علمی دانشکده معارف دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران

Dr.ahmad_shafazadeh@kiau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۹

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال هشتم، شماره سی‌وسوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۳۳-۱۰۹

مقدمه

جامعه‌شناسان کارکردگرا، در راستای تبیین نظم و هم‌نوایی^۱ اجتماعی، بر جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی تأکید کرده و به ساختارها و کارکردهای نهادهایی که این دو وظیفه را انجام می‌دهند، توجه ویژه‌ای داشته‌اند. مذهب، یکی از این نهادهای مهم است که بسیاری از جامعه‌شناسان به نقش آن در درونی کردن پایبندی‌ها و پیروی از هنجارها و ایجاد ترس در هنگام تخلف از هنجارها اشاره کرده‌اند و پژوهشگرانی همچون آلن برگین^۲ (استاد روانشناسی دانشگاه بریگام یانگ که موفق به دریافت جایزه از انجمن روانشناسی آمریکا شد) در عرصه کنترل اجتماعی، توانایی دین‌داران را در قانونمداری، عدم مصرف الکل، مواد مخدر، و اطاعت از هنجارهای اجتماعی تأیید کرده‌اند؛ هرچند پیش‌بینی میزان تأثیر دین‌داری بر انواع مختلف جرایم، به ساختار مذهبی جامعه و نقش مذهب در اجتماع‌های گوناگون بستگی دارد. با تکیه بر پیش‌فرض واقعی بودن جهان ماورای طبیعت، می‌توان کارکردهای بیرونی این نوع کنترل را پذیرفتنی و واقعی به‌شمار آورد و آن را فرایندی دانست که رفتار افراد را به کمک پدیده‌های خاص تشویقی و تنبیهی، کنترل می‌کند؛ پدیده‌هایی که بر نیروهای ماورای طبیعی متکی هستند. براین اساس، بدیهی است که گروهی چنین استدلال می‌کنند که افراد از طریق اطاعت اجباری به سبب ترس از قدرت یک نیروی ماورای طبیعی غیرتجربی در این دنیا یا جهان پس از مرگ، محدود و

1. Conformity

2. Allan bergin

کنترل می‌شوند. گروهی از استادان دانشگاه ایالتی کانزاس در پی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که: «تعهد به خانواده، اغلب با عامل تعهد دینی همسویی دارد». آن‌ها مدعی شده‌اند که تربیت مذهبی به درونی کردن تعهدات اخلاقی — که انگیزه‌ای برای تنظیم رفتار و دوری از گناه است — کمک می‌کند. عده دیگری بر این نظرند که تجربیات مذهبی، هم از طریق مرتبط کردن افراد به شبکه‌ای از دین‌داران و هم با ایجاد کنترل غیررسمی، سبب کاهش فرصت‌های رفتارهای انحرافی می‌شود (Hirshish, 2003: 63). در مورد دلایل کج‌روی، نظریه‌های گوناگونی با رویکردهای متفاوت ارائه شده است که الگوی «کنترل اجتماعی» تراویس هیرشی — که گاهی با عنوان «نظریه پیوند» از آن یاد می‌شود — یکی از مهم‌ترین آن‌ها است (Regoli, 2009: 203). هیرشی بر این نظر است که رفتار انحرافی، نتیجه ضعف پیوندهای فرد با جامعه است. در نظریه او چهار عنصر برای سنجش پیوند فرد با جامعه یا دیگران، دیده شده است که عبارتند از:

● دلبستگی: میزان توجه، و حساسیت فرد به دیگران و دیدگاه‌ها و خواسته‌هایشان؛

● تعهد: میزان هماهنگی پاداش‌ها و مجازات‌های اجتماعی با رفتار هم‌نوا و نابهنجار افراد؛

● درگیر بودن: مدت‌زمانی که فرد برای فعالیت‌های عادی اجتماعی صرف می‌کند؛

● باور داشتن: میزان اعتبار هنجارهای اجتماعی برای فرد، با میزان درونی کردن هنجارهای اجتماعی هر عنصر، یک حلقه ارتباط بین فرد و جامعه است.

تازمانی که فردی با گروه‌های عادی جامعه ارتباط دارد، از هنجارهای اجتماعی پیروی می‌کند، ولی اگر یک یا چند حلقه ارتباطی ضعیف شود، احتمال منحرف شدن افزایش می‌یابد. به نظر هیرشی، مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است. با وابستگی تدریجی فرد به دیگران، احتمال بزهکار شدن او بسیار کمتر می‌شود. نخستین وابستگی‌ها و تعاملات با

والدین است و در پی آن، وابستگی به هم‌قطاران، رهبران مذهبی، و اعضای دیگر جامعه بروز می‌کند (Hirshish, 2003: 16).

البته بعدها هیرشی در نظریه «خودکنترلی»، نکته کامل‌کننده‌ای بر نظریه خود درباره کنترل ارائه کرد مبنی بر اینکه ریشه بزهکاری یا بهنجاری، کنترل یا عدم کنترل خود است! در این دیدگاه، بر تربیت والدین بسیار تأکید می‌شود، زیرا این عامل، منبع رفتار اجتماعی‌ای به‌شمار می‌آید که سبب کنترل خود می‌شود؛ هرچند ممکن است عوامل دیگری نیز در رفتار اجتماعی درست یا نادرست، نقش جدایی‌ناپذیری داشته باشند.

از آنجا که پیشگیری از بزه یا همان «گناه» و شیوه‌های پیشگیری از آن، یکی از اصلی‌ترین محورهای رسالت ادیان است، قرآن کریم نیز توجه ویژه و برنامه جامعی در این مورد داشته است و استخراج آموزه‌های آن در این باره می‌تواند به‌گونه‌ای مؤثر به مسئولان نظام اسلامی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی کمک کند. به‌طورکلی از متون دینی، شواهد مختلفی مبنی بر توجه دین به کنترل اجتماعی به‌دست می‌آید. دین در سیاست کنترلی خود، هم به کنترل‌های رسمی توجه داشته است و هم به کنترل‌های غیررسمی. افزون‌براین، سازوکارهای کنترلی دین به‌گونه‌ای طراحی شده است که سازوکارهای رسمی و غیررسمی به‌گونه‌ای همسو با هم عمل می‌کنند و این مسئله، یکی از نقاط قوت سیاست کنترلی دین به‌شمار می‌آید، زیرا کنترل‌های غیررسمی، اهرم‌ها و سازوکارهای درونی را در خود جای داده‌اند و کنترل‌های رسمی و بیرونی زمانی کارآمد خواهند بود که با اهرم‌های درونی همساز باشند (کوشا، ۱۳۸۹: ۷۸).

روی هم‌رفته، دین به واکنش‌های روانی افراد به بازدارنده‌های غیررسمی توجه داشته، میزان بازدارندگی بازدارنده‌های غیررسمی را به‌نمایش گذاشته، و همچنین، بر روحیه «پاداش‌خواهی» و «تنبیه‌گریزی» انسان تأکید فراوانی کرده است. از بسیاری آیه‌ها و روایت‌ها چنین برمی‌آید که رفتار انسان‌ها به‌گونه‌ای قابل توجه، متأثر از کنترل اجتماعی است. به‌عبارت روشن‌تر، انسان‌ها به اهرم‌های کنترلی

واکنش نشان می‌دهند. براین اساس، این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که: «وجوه اشتراک و افتراق نظریه هیرشی با قرآن کریم درباره کنترل اجتماعی چیست؟»

مقایسه نتایج به‌دست آمده از نظریه هیرشی و آموزه‌های قرآنی با یکدیگر، مسیر را برای تشخیص بهترین شیوه کنترلی هموار می‌کند. با توجه به اهمیت و ضرورت توجه به کنترل اجتماعی و همچنین، تأکید فراوان دین، به‌ویژه آموزه‌های قرآنی، بر مقابله با تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی، بررسی این مقوله مهم برای کمک به ایجاد امنیت فضای اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، اهمیت فراوانی دارد.

۱. مفاهیم و مبانی نظری

۱-۱. کنترل اجتماعی

کنترل را «توان اعمال قدرت، هدایت، یا پیشگیری از اعمال دیگران» تعریف کرده‌اند؛ از این رو، کنترل اجتماعی، فرایندی اجتماعی است که با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین و قواعد و اصول معین که ضمانت اجرا دارند، در پی تحقق هم‌نواپی رفتاری اعضای خویش و مقابله با کج‌روی است (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۴۵۲).

۱-۲. کج‌روی^۱

کج‌روی را با تعبیرهای متفاوتی تعریف کرده‌اند که برخی از نمونه‌های آن عبارتند از: رفتار منع‌شده یا مشمول اهرم‌های کنترل اجتماعی؛ رفتار شکننده هنجار یا رفتاری که قواعد، برداشت‌ها یا توقعات هنجاری نظام‌های اجتماعی را نقض می‌کند؛ و رفتار ناهم‌نوا با هنجارهای اجتماعی (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۶).

۱-۳. تأثیر نیازها بر کنترل اجتماعی

فرضیه زیربنایی نظریه «نیازهای اساسی» مازلو، این است که در پی بروز هر دسته از نیازها، رفتار شخص و همه کنش‌ها و واکنش‌های او در راستای ارضای آن قرار

می‌گیرد؛ برای مثال، حمله کارگزاران کنترل اجتماعی به «نیاز امنیت» در شخص کج‌روی که نیازمند برآمدن آن است، این معنا را می‌یابد که جامعه، برآمدن این نیاز را به پیروی او از هنجارها مشروط کرده است. در اینجا مازلو، پیامد این حمله را روی‌آوری چنین فردی به پیروی از هنجارها می‌داند (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۴۷۱).

۴-۱. نظریه خودکنترلی بزهکاری

تراویس هیرشی در سال ۱۹۹۰، نظریه عمومی جرم را مطرح کرد. این نظریه کنترل، در مقایسه با آنچه وی بیست سال پیش ارائه کرده بود، پالوده‌تر و کامل‌تر بود. سرانجام، این نظریه سودمندگرایانه به این نتیجه رسیده است که کنترل خود، یک مفهوم کلی است که تمام حقایق شناخته‌شده درباره جرم را می‌توان حول آن جمع کرد (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۴: ۸۵). نظریه عمومی جرم، مانند علل بزهکاری، مدعی است که نظریه‌های دیگر به اندازه کافی به ماهیت واقعی ارتکاب جرم توجه نکرده‌اند؛ واقعیت این است که افراد به منظور لذت‌جویی و گریز از درد، مرتکب جرم می‌شوند. این نظریه نیز مانند نظریه پیشین هیرشی درباره مجرمیت، یک نظریه کلاسیک به‌شمار می‌آید. باید توجه کرد که نظریه کلاسیک و مفهوم کنترل خود، تا حد زیادی قابل انطباق هستند (براون‌فیلد، ۲۰۰۵: ۲۴۴).

۵-۱. انواع کنترل اجتماعی

در قالب یک تقسیم‌بندی کلی و انتزاعی، می‌توان انواع کنترل اجتماعی را به شرح زیر برشمرد.

۱-۵-۱. کنترل رسمی^۳

کنترل اجتماعی رسمی، دربردارنده اقدام‌هایی است که منابع اقتدار، به منظور مقابله با وقوع جرم و کج‌روی در جامعه انجام می‌دهند. این اقدام‌ها به سبب متکی بودن به ضمانت‌های اجرایی دولتی، از یک سو، به طور عمده الزام‌آور و متکی به قهر و

1. Hirschi, & Gottfredson

2. Brownfield

3. Official Control

اجبار هستند و از سوی دیگر، به گستره خاصی از هنجارهای اجتماعی (هنجارهای رسمی) محدود می‌شوند که با تکیه بر همان ضمانت اجراهای حکومتی، تعریف می‌شوند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۲۵).

۱-۵-۲. کنترل غیررسمی^۱

کنترل غیررسمی، گونه‌ای از کنترل اجتماعی است که در گستره‌ای به تناسب جامعه، توسط هریک از اعضا و در محیط‌های متفاوت خانواده، مدرسه، محل کار، مکان‌های مذهبی، و... انجام می‌شود. این گونه از کنترل، در نقطه مقابل کنترل رسمی و مبتنی بر اصول اخلاقی، ارزش‌ها، و هنجارهای متعارف است. ضمانت اجراهای اصلی کنترل غیررسمی عبارتند از:

- متغیرهای درونی: مانند ترس از پذیرفته نشدن رفتار در اجتماع، ترس از روبه‌رو شدن با مخالفت جامعه، نگرانی از طرد شدن توسط اطرافیان، و...
- اهرم‌های بیرونی، مانند تمجید و تشویق رفتارهای راست‌روانه و درمقابل، تمسخر، سرزنش و حتی طرد کج‌رو توسط دیگران (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۵۰۷).

۱-۵-۳. کنترل بیرونی^۲

کنترل بیرونی را مجموعه‌ای از سازوکارهای کنترل اجتماعی شکل می‌دهند که هدف آن‌ها کاستن از فرصت‌های ارتکاب جرم و کج‌روی و درون‌نمایه‌شان، ایجاد و اعمال محدودیت‌های مادی و فیزیکی است. این فرایند، رفتار فرد را از طریق اجبار فیزیکی محدودیت‌های بیرونی یا تحت تأثیر آثار روانی ناشی از این محدودیت‌ها، کنترل می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۵۱۴).

۱-۵-۴. کنترل فیزیکی (تنبیه بدنی)^۳

ویژگی عمده کنترل فیزیکی، یا رنج و دردی است که بر فرد تحمیل می‌شود، یا محدودیتی که آزادی و امنیت جسمی او را به خطر می‌اندازد؛ بنابراین، به‌کارگیری

1. Unofficial Kontrol

2. External Kontrol

3. Physical Kontrol

این نوع کنترل را می‌توان در شکل‌هایی مانند «ایجاد آزارها و دردهای جسمی»، «سلب آزادی»، و حتی «سلب حیات» مشاهده کرد. فرد در رویارویی با اهرم‌های این کنترل، نیازهای اساسی «جسمی» و «ایمنی» خود را در خطر می‌بیند و در نتیجه، از خود واکنش نشان می‌دهد. یکی از این واکنش‌ها این است که بکوشد رفتاری را که او را با این خطر روبه‌رو کرده است، ترک کند (داوری و سلیمی، ۱۳۹۱: ۵۱۴).

۱-۵-۵. کنترل اقتصادی^۱

اهرم‌های کنترل اقتصادی، فرد را با خطر برآورده نشدن گستره وسیعی از نیازها (از آب و غذا گرفته، تا نیاز به ابزار و امکانات تأمین معاش بهتر یا ارتقای منزلت شغلی، علمی و مانند آن) روبه‌رو می‌کند؛ بنابراین، می‌توان گفت، کنترل اقتصادی به نیازهای متنوع «جسمی»، «ایمنی»، و حتی «خودشکوفایی» حمله می‌کند؛ فرد در واکنش به این حمله و برای حفظ بر خورداری‌های لازم برای ارضای آن نیازها، خواهد کوشید تا از درگیر شدن در فعالیت‌هایی که او را در معرض این محرومیت‌ها قرار می‌دهند، پرهیز کند. جریمه‌های مالی، پرداخت خسارت، و محرومیت‌های مالی و شغلی از جمله اهرم‌های این نوع کنترل به‌شمار می‌آیند. امروزه نیز شاهد رونق یافتن دیدگاه‌هایی هستیم که بر ضرورت جایگزین کردن این نوع کنترل با انواع اهرم‌های کنترل خشن تأکید دارند. این گروه از پژوهشگران، در استدلال بر مدعای خود به این نکته توجه می‌دهند که اهرم‌های اقتصادی، کمتر حیثیت اجتماعی کچروان را در مخاطره قرار می‌دهد و از نظر عاطفی، کمتر زمینه بازگشت آنان را به جامعه از بین می‌برد (صدیق اورعی، ۱۳۸۶: ۹۸).

۱-۵-۶. کنترل درونی^۲

کنترل درونی، نوعی سازوکار کنترل اجتماعی به‌شمار می‌آید که در نتیجه آن، فرد خود را از درون به انجام رفتار موردانتظار از خویش ملزم می‌بیند؛ بدون نیاز به اینکه وجود انواعی از الزام‌ها یا محدودیت‌های ملموس و فیزیکی، یا اعمال آن‌ها

1. Economic Control

2. Internal Control

را در راستای الزام به انجام آن رفتار احساس کرده باشد. برخی جامعه‌شناسان، هنگام بحث از انواع متفاوت ضمانت‌های کنترلی رفتار، پیش از هر چیز خاطرنشان می‌کنند که به‌هیچ‌روی نمی‌توان آن‌دسته از نظام‌های کنترلی اجتماعی را که تنها بر تشویق‌ها و تنبیه‌های بیرونی متکی هستند، نظام‌های کارآمدی به‌شمار آورد. توجه به راهکارهای مورد استفاده در این نوع کنترلی نشان می‌دهد که ماهیت سازوکارهای درونی کنترلی اجتماعی را می‌توان از نوع تأکید بر ابعاد اخلاقی یا عاطفی شخصیت افراد، حمله به ارزش‌ها، باورها و عواطف آنان، یا حتی روبه‌رو کردن آن‌ها با «شناختی» به‌شمار آورد که از احتمال ارضا نشدن «نیازهای جسمی» یا «نیازهای ایمنی» حکایت دارد (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۵۱۱-۵۰۸).

۱-۵-۷. کنترل ارزشی^۱

«نیاز به احترام» از جمله نیازهای اساسی انسان است. این نیاز، در بیانی کلی، متکی به مفاهیم ارزشی و ضرورتی است که فرد، برای دستیابی به «تأیید خود، توسط خود» و «تأیید خود، توسط دیگران»، در خود احساس می‌کند و براساس آن، می‌کوشد «دارای ارزش» باشد و از آنچه ضدارزش به‌نظر می‌رسد، دوری گزیند. اثرگذاری فرایند ارزشی کنترل کج‌روی در مواردی موجب می‌شود که فرد — به‌هر دلیل — گزینه‌های کج‌روانه را «مهم‌تر» از برآمدن «نیاز به احترام» می‌بیند. فرایند این اثرگذاری به‌شرح زیر است:

فرد، نیازمند این است که «ارزشمندی» خود را از دست ندهد؛ جامعه به او می‌آموزد که چگونه می‌توان «ارزشمند» بود و «ارزشمند» ماند؛ گاهی با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌شود که نیاز به «ارزشمندی» را — دست‌کم به‌طور موقت — به گزینه‌ای برتر تبدیل کند؛ در چنین موقعیتی، جامعه تدابیری را اتخاذ می‌کند که فرد، همچنان به خود بیاوراند که «ارزشمند» ماندن، بهتر است (پیش از کج‌روی)؛ بپذیرد که مرتکب «ضدارزش» شده است (پس از کج‌روی). به‌بیان دیگر، در کنترل ارزشی، نیاز به «ارزشمندی» در فرد تقویت می‌شود؛ یا به ارزشیابی مثبتی که درباره خود دارد، حمله می‌شود. تدبیر نخست سبب می‌شود که فرد، در موارد تعارض

شناختی، اولویت را به حفظ این شناخت و برآوردن این نیاز بدهد (از رفتارهای کج روانه، دوری کند)؛ و تدبیر دوم، با برانگیختن و مطرح کردن دوباره نیاز به «احترام» یا با ایجاد احساس گناه یا اضطراب، فرد را از ادامه مسیر پیشین، بازمی‌دارد (داوری و سلیمی، ۱۳۹۱: ۵۱۵).

۱-۵-۱. کنترل عاطفی^۱

روانشناسان، عواطف را احساسات و هیجان‌های مرتبط با عناصر وابستگی و تعلق و مهر و محبت می‌دانند؛ در تعابیر دیگر، «عاطفه» به انواعی از گرایش‌های انسانی گفته می‌شود که براساس تمایل به حفظ و بقای زندگی جمعی و تعلق به غیر، شکل می‌گیرد و توجه انسان را آگاهانه، از «خود» دور و به «غیر» معطوف می‌کند. به این ترتیب، گزینه در نقطه مقابل آن قرار داده می‌شود، زیرا دربردارنده امیال و کشش‌های ضامن حفظ و بقای حیات فردی است؛ عناصری مانند شرم، خجالت، سرافکندگی، گناه، و حتی تکبر که سهم مهمی در مهار رفتار فرد دارند و آگاهانه یا ناخودآگاه— او را وامی‌دارند که رفتار و حتی افکارش را به سمت و سویی که خود متوجه آن است، هدایت کند. در عین حال، از آنجاکه عواطف انسانی بیشتر در بستر کنش متقابل اجتماعی و در پیوند و رویارویی با افراد دیگر شکل می‌گیرد، فشار آن‌ها نیز وی را به مسیری رهنمون می‌شود که عموماً به لحاظ اجتماعی قابل قبول است (صدیق اورعی، ۱۳۸۶: ۹۸).

۱-۵-۲. کنترل ماورای طبیعی^۲

در سازوکار درونی این نوع کنترل، ضمانت اجرا، باور افراد به وجود اراده و نیروی تنبیه‌گر و پاداش‌دهنده‌ای است که در جهان پس از مرگ، یا در همین جهان، آنان را به پاداش یا مکافات عملش می‌رساند. این باور، اثرات کارکردی خود را از جمله در جمع با آثار متغیرهای زیر به دست می‌آورد: باور به وجود جهان پس از مرگ و زندگی انسان در آن؛ باور ممکن بودن عذاب یا محرومیت از

1. Emotional Control

2. Natural Supra Control

نعمت‌ها و برخورداری‌های آن‌جهانی (خواه در این جهان و خواه در آن جهان). این عنصر سبب می‌شود که فرد، خود را با احتمال برآورده نشدن انواع نیازهای «جسمی»، «ایمنی»، و «خودشکوفایی» در زندگی آن جهان مواجه ببیند. وابستگی عاطفی به موجودات فراطبیعی و این باور که رفتارهای نادرست، او را در هر دو جهان از آنان دور می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۵۱۷-۵۱۵)، سبب پرهیز او از رفتارهایی می‌شود که این محرومیت‌ها را در پی دارند.

۲. پیشینه پژوهش

متولی‌زاده نایینی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «نظریه کنترل اجتماعی با نگاه به آیات و روایات؛ با تأکید بر تعاون و حمایت» به این نتیجه رسیده است که برقراری وفاق، نظم، و همبستگی در امت اسلامی و ایجاد پیوند میان افراد و جامعه از مهم‌ترین مسائل موردتوجه در آموزه‌های قرآن است.

محمدی (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «باورهای مؤثر بر هدایت و کنترل رفتارهای سازمانی از دیدگاه آیات منتخب قرآن کریم» به این نتیجه رسیده است که رفتارهای اعضای سازمان، نقش مهمی در موفقیت و شکست سازمان‌ها دارد. اهمیت این نقش، بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران را ترغیب کرده است که در مورد هدایت و کنترل رفتارهای سازمانی پژوهش کنند. با توجه به محوریت انسان در رفتار سازمانی و مدیریت، ضروری است که در جوامع اسلامی که افراد از باورها و ارزش‌های اسلامی پیروی می‌کنند، با رویکرد اسلامی به رفتار سازمانی نگریده شود. این پژوهش در پی آن بوده است که با کندوکاوی در آیه‌های قرآن کریم، باورها و ارزش‌هایی را که در هدایت و کنترل رفتار سازمانی مؤثر هستند، شناسایی کند.

اورعی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «راهکارهای کنترل اجتماعی خشن از دیدگاه قرآن کریم» انجام داده است. در این پژوهش آمده است که دین اسلام، برنامه‌جامعی برای کنترل و پیشگیری از کج‌روی دارد؛ بنابراین، استخراج آموزه‌های اسلامی در این باره می‌تواند کمک مؤثری به مسئولان نظام اسلامی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی باشد. یکی از محورهای مهم در این باره، آگاهی از دیدگاه قرآن درباره‌ی مجازات خشن است. براساس یافته‌های پژوهش یادشده،

راهکارهای کنترل خشن از دیدگاه قرآن عبارتند از: اعدام، قطع کردن دست و پا، قطع کردن دست، شلاق زدن، بازداشت، تبعید، و محدودیت در ارتباط با دیگران. این نوع مجازات‌ها برای تعداد اندکی از کج‌روی‌ها و در مورد کسانی اجرا می‌شود که با اختیار خود از کج‌روی باز نمی‌گردند و سایر کنترل‌های غیر خشن نیز نمی‌توانند سبب بازگشت آنان از کج‌روی شوند.

معین، افشاری، و بوستانی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «کنترل و نظارت از دیدگاه قرآن، نهج‌البلاغه و سیره نبوی(ص)» اشاره کرده‌اند که نظارت پروردگار در عالی‌ترین شکل، دقیق‌ترین کیفیت، لطیف‌ترین شیوه، و مشتاقانه‌ترین و بزرگوارانه‌ترین صورت‌ها است. جامعه‌ای که تمایل دارد براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی و در راستای تحقق اهداف اسلامی عمل کند، باید نظام‌های کنترلی و نظارتی خود را نیز با این ارزش‌ها و اهداف هماهنگ و در این چارچوب اعتقادی و ارزشی طراحی کند.

آقاجانی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود با عنوان «استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی» به این نتیجه رسیده است که به‌کارگیری انواع سیاست‌های کنترلی در رویارویی با انحرافات اجتماعی، یکی از راهبردهای اساسی قرآن کریم است. در این رویکرد، از یک سو دین، به سبب نقش محوری نظارت درونی و تأثیری که می‌تواند در ابعاد مختلف نگرشی، احساسی، و رفتاری ایجاد کند، به‌عنوان بهترین شیوه پیشگیری از کج‌روی معرفی شده است و از سوی دیگر، بر تأثیر عوامل مختلف دیگری مانند تعلیم و تربیت، الگوها و گروه‌های مرجع، قوانین اجتماعی، عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، و اقتدار حکومتی، به‌عنوان عوامل نظارت بیرونی در پیشگیری تأکید شده است، و سرانجام، از موانع پیشگیری، مانند تعارض هنجاری و تعارض ساختاری نیز سخن به میان آمده است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش که به صورت تطبیقی انجام شده است، برای تحلیل آیه‌های قرآن از روش کیفی و برای کدگذاری آیه‌ها نیز از نرم‌افزار maxqda کرده است. در پایان نیز شاخص‌های استخراج شده از قرآن با نظریه هیرشی مقایسه شد. جامعه آماری

این پژوهش سبباً توجه به قلمرو موضوعی آن— دربردارنده آیه‌های قرآنی و احادیث و نظریه هیرشی در مورد کنترل اجتماعی است. تأمین روایی و پایایی این پژوهش مبتنی بر روش تأمین پایایی و روایی مطالعات کیفی است که با توجه به اعتبار متن قرآن، در مورد اعتبار سندی گزاره‌ها و داده‌های انتخابی، مشکل خاصی وجود نداشت، اما با توجه به اهمیت اعتبار گزاره‌های قرآنی به لحاظ دلالت، انتخاب آیه‌های مرتبط و کدگذاری اولیه براساس فهم متن عربی قرآن و ترجمه‌های قرآن از آقایان ناصر مکارم شیرازی و محمدمهدی فولادوند انجام شد. برای تأیید موارد ترجمه‌شده، به ترجمه‌های آقایان سیدجلال‌الدین مجتبوی، سیدعلی موسوی گرمارودی، و محمدعلی رضایی اصفهانی نیز مراجعه و موارد مشکل‌دار حذف شد.

۴. یافته‌ها

قرآن کریم، برای اشاره به کج‌روی، از مفاهیم و مصادیق متنوع و مختلفی استفاده کرده است که در پژوهش حاضر سبباً توجه به گستردگی این مفاهیم— به برخی از آن‌ها در پنج سوره نخست قرآن اشاره شده است (جدول ۱).

جدول ۱. آیه‌های مربوط به کنترل اجتماعی در پنج سوره آغازین قرآن کریم

سوره و شماره آیه	مفاهیم و مصادیق	متن آیه و ترجمه
الفاتحه/۷	گمراهی	غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ همانان که نه درخور خشم‌اند و نه گمگشتگان.
البقره/۸	نفاق	وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَأْتِيهِمُ الْآخِرُ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ و برخی از مردم می‌گویند: «ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم»، ولی گروندگان [راستین] نیستند.
البقره/۱۶	ضلالت: گمراهی	أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ همین کسانی که گمراهی را به [بهایی] هدایت خریدند، در نتیجه دادوستدشان سود [ی به‌بار] نیاورد و هدایت‌یافته نبودند.
البقره/۲۷	فساد	الَّذِينَ يَبْغُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلند و در زمین به فساد می‌پردازند، آنانند که زیانکارانند.
البقره/۲۶	فسق: نافرمانی	وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ و جز نافرمانان را با آن گمراه نمی‌کند.

البقره/ ۳۹	کفر	وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و [ای] کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنانند که اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.
البقره/ ۵۸	خطیئه: گناه	وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاذْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ و [نیز به یاد آرید] هنگامی را که گفتیم: «بدین شهر درآیید، و از هرکجای آن خواستید، فراوان بخورید، و سجده‌کنان از در [بزرگ] درآیید، و بگویید: [خداونداه] گناهان ما را بریز، تا خطاهای شما را ببخشاییم، و [پاداش] نیکوکاران را خواهیم افزود.
البقره/ ۶۱	تعدی: (از حد گذراندن)	وَضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ وَبَأَوْ بَعْضُ مَنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ و [داغ] خوری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد، و به خشم خدا گرفتار آمدند، چراکه آنان به نشانه‌های خدا کفر ورزیده بودند، و پیامبران را بناحق می‌کشتند. این، از آن روی بود که سرکشی نموده، و از حد درگذرانیده بودند.
البقره/ ۸۱	سینه: بدی	بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَخَاطَتَ بِهَا حَظِيئَتَهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ آری، کسی که بدی به‌دست آورد، و گناهش او را در میان گیرد، پس چنین کسانی اهل آتشند، و در آن ماندگار خواهند بود.
البقره/ ۱۶۹	سوء: بدی فحشاء: زشتی	إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ [او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد، و [وامی‌دارد] تا بر خدا، چیزی را که نمی‌دانید برنیدید.
البقره/ ۱۸۷	خیانت به خود	عَلِمَ اللَّهُ أَنَّهُم كَتَمُوا تَخَانُونَ أَنفُسِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ... خدا می‌دانست که شما با خودتان ناراستی می‌کردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت.
البقره/ ۱۸۸	رشوه	وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ و اموالتان را میان خودتان به‌ناروا مخورید، و [به‌عنوان رشوه قسمتی از] آن را به قضات مدهید، تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، درحالی‌که خودتان [هم خوب] می‌دانید.
البقره/ ۱۹۰	اعتداء: (از حد گذراندن)	وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید، و [ای] از اندازه درنگذرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.
البقره/ ۱۹۵	خودکشی	وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ و در راه خدا انفاق کنید، و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید، و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.
البقره/ ۱۹۷	فسق	وَلَا فَسُقُوا وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ در اثنای حج، گناه و جدال [روا] نیست.
البقره/ ۲۱۷	ارتداد: برگشت از دین	وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُم مِّنْ دِينِهِ فَمَا لَمْ يَكُنْ كَافِرًا فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و کسانی از شما که از دین خود برگردند و درحال کفر بمیرند، آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می‌شود، و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.
البقره/ ۲۶۴	ریاکاری	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل نکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. به‌دست

		آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند.
البقره/ ۲۶۷	خبیث	وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ در پی ناپاک آن نروید که [از آن] انفاق نمایید.
البقره/ ۲۶۸	فحشاء: زشتی	الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد و [الی] خداوند از جانب خود به شما وعده آموزش و بخشش می‌دهد، و خداوند گشایشگر داناست.
البقره/ ۲۷۶	رباخواری	يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ خدا از [برکت] ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد.
آل عمران/ ۱۹	بغی(حسد)	إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَيْنًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ درحقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، با یکدیگر به اختلاف نپرداختند، مگر پس از آنکه علم برای آنان [حاصل] آمد؛ آن هم به سابقه حسدی که میان آنان وجود داشت و هرکس به آیات خدا کفر ورزد، پس [بداند] که خدا زودشمار است.
آل عمران/ ۱۱	ذنب: گناه	كُذِّبَ آلُ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ [آنان] به شیوه فرعونیان و کسانی که پیش از آنان بودند، آیات ما را دروغ شمردند؛ پس خداوند به [سزای] گناهانشان [گریبان] آنان را گرفت، و خدا سخت کیفر است.
آل عمران/ ۳۰	سوء: بدی	يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّرًا وَمِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سَوْءٍ تَوَدُّ أَوْ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ روزی که هرکسی آنچه کار نیک به‌جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد و آرزو می‌کند: کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود. و خداوند، شما را از [کیفر] خود می‌ترساند، و [درعین حال] خدا به بندگان [خود] مهربان است.
آل عمران/ ۹۹	ممانعت از مسیر خداوند	قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُصَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ أَمْنٍ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ بگو: «ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا بازمی‌دارید و آن [راه] را کج می‌شمارید، با آنکه خود [به راستی آن] گواهی‌ده؟» و خدا از آنچه می‌کنید، غافل نیست.
آل عمران/ ۱۰۴	منکر	وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند.
آل عمران/ ۱۱۸	خیال: (ناپکاری)	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، [دوست و] هم‌راز مگیرید. [آنان] از هیچ ناپکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند.
آل عمران/ ۱۳۷	دروغ‌گویی	قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است؛ پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.
آل عمران/ ۱۷۹	خبیث	مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ... خدا بر آن نیست که مؤمنان را به این [حالی] که شما بر آن هستید، واگذارد، تا آنکه پلید را از پاک جدا کند.
آل عمران/	بخل	وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الثَّيَمَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ و نباید آنکه آنانی که بخل بر آنچه خداوند از فضل خود بر آن‌ها کرده است، بپندارند که این بخلی است که برایشان سودمند است؛ بلکه خداوند بدتر از آن بخلی است که آن‌ها بخل بر آن می‌کنند؛ و برای خداوند میراث آسمانها و زمین است و خداوند به آنچه می‌کنید، آگاه است.

۱۸۰		و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده، بخل می‌ورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است، بلکه برایشان بد است. به زودی آنچه به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردشان می‌شود. میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.
النساء/ ۲	حبیب؛ حوب (گناه بزرگ)	وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبْدَلُوا الْخَيْبَتِ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا و اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید، و [مال] پاک و [مرغوب آنان] را با [مال] ناپاک [خود] عوض نکنید و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید که این گناهی بزرگ است. إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا درحقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فروری‌برند، و به زودی در آتشی فروزان درآیند.
النساء/ ۱۰	ظلم	وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ و هرکس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید، وی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفت‌آور است.
النساء/ ۱۴	عصیان و تعدی از حدود	وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِن نِّسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً شُكْمًا فَإِن شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ تَيَوَّضُنَّ الْمَوْتَ أَوْ يُجْعَلَ لَهُنَّ سَبِيلًا و از زنان شما، کسانی که مرتکب زنا می‌شوند، چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه بگیرید، پس اگر شهادت دادند، آنان [زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرارسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد.
النساء/ ۱۵	زنا	إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا توبه، نزد خداوند، تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند، سپس به زودی توبه می‌کنند. اینانند که خدا توبه‌شان را می‌پذیرد، و خداوند دانای حکیم است.
النساء/ ۱۷	سوء: گناه	وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده‌اند، نکاح نکنید، مگر آنچه پیشتر رخ داده است، چراکه آن، زشتکاری و [مایه] دشمنی، و بدراهی بوده است.
النساء/ ۲۲	فاحشه: زشتکاری	وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا خدا می‌خواهد تا بر شما بخشاید و کسانی که از خواسته‌های [نفسانی] پیروی می‌کنند، می‌خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید.
النساء/ ۲۷	انحراف بزرگ	وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا و خودتان را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است.
النساء/ ۲۹	خودکشی	انظروا كيف يفترون على الله الكذب وكفى به إثما مبينًا بین چگونه بر خدا دروغ می‌بندند. و بس است که این، یک گناه آشکار باشد.
النساء/ ۵۰	دروغ بستن بر خداوند	مَا أَصَابَكُم مِّن حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكُم مِّن سَيِّئَةٍ فَمِن نَّفْسِكُمْ وَأُرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا هرچه از خوبی‌ها به تو می‌رسد، از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می‌رسد، از خود توست و تو را به پیامبری، برای مردم فرستادیم، و گواه بودن خدا بس است.
النساء/ ۷۹	سینه: بدی	وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَمَدِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَدَدُ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا و هرکس عمداً مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود و خدا بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است.
النساء/ ۹۳	قتل عمد	إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِبِينَ خَصِيمًا ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، تا میان مردم به [موجب] آنچه خدا به تو آموخته،
النساء/ ۱۰۵	خیانت	

		داوری کنی، و زهار جانبدار خیانتهکاران مباش.
النساء/ ۱۱۱	اثم: گناه	وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا و هرکس گناهی مرتکب شود، فقط آن را به زبان خود مرتکب شده، و خدا همواره دانای سنجیده کار است.
النساء/ ۱۱۲	خطیئه: اثم: گناه	وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا و هرکس خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس آن را به بی گناهی نسبت دهد، قطعاً بهتان و گناه آشکاری بر دوش کشیده است.
النساء/ ۱۲۸	ناسازگاری شوهر	وَإِن أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْثِهَا نَشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح یا یکدیگر، به آشتی گرایند که سازش بهتر است.
النساء/ ۱۶۷	مانع از راه خدا	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا بی تردید، کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند، به گمراهی دور و درازی افتاده اند.
المائدة/ ۳۳	مخاربه با خدا و پیامبر(ص) فساد	إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزَاءُ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ سزای کسانی که با [دوست داران] خدا و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند. این، رسوایی آنان در دنیا است و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.
المائدة/ ۳۸	دزدی	وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده اند، دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرد، و خداوند توانا و حکیم است.
المائدة/ ۶۲	حرام خواری؛ اثم: تعدی	وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السَّخْتِ لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ و بسیاری از آنان را می بینی که در گناه و تعدی و حرام خواری خود شتاب می کنند. واقعاً چه اعمال بدی انجام می دادند.

قرآن کریم، راهبردهای کنترل کجروی را از مرحله هنجارگذاری آغاز کرده و سپس، «نظارت» درست و کامل بر اجرای آن را مدنظر قرار داده است. این نظارت به دو شکل نظارت مستقیم خداوند با ابزارهای مختلف — به عنوان حاکم بر کنش های انسان — و لزوم نظارت انسان ها بر کنش های یکدیگر، انجام می شود. از دیدگاه قرآن کریم، افزون بر جعل هنجارهای مناسب و قابل دفاع، یکی از شرط های اساسی کارآمد شدن این نظارت، «مقبولیت ناظران و حاکمان و قدرت آنان بر تنبیه کجروان» است. با توجه به اینکه یکی از ابزار کنترل کنش های کجروان انسان، تنبیه و مجازات است، قرآن کریم با تعیین مجازات های مختلف دنیوی و ماورای طبیعی برای کجروان، سعی در کنترل کنش های کجروان آنان دارد. سایر راهکارهای ارائه شده از دیدگاه قرآن در این باره، عبارتند از: «نظارت خانواده بر کنش های اعضای آن»، «انتخاب کارگزاران و مدیران کاردان و شایسته»، «حمایت

اجتماعی و حمایت از قربانی کج روی». همچنین، قرآن برای بازگرداندن کج رو از راه کج، استفاده از راهکارهای «جامعه‌پذیری دوباره»، «کنترل ارزشی»، «کنترل عاطفی»، و مجازات اقتصادی را پیشنهاد می‌کند، و سرانجام، برای کسانی که با این روش‌ها قابل اصلاح نیستند، مجازات فیزیکی (تنبیه بدنی) را به‌عنوان آخرین مرحله، مطرح می‌کند.

جدول ۲. عناصر نظریه کنترل اجتماعی هیرشی

یافته‌ها	مفاهیم و مصادیق	چهار متغیر کنترل کننده رفتار از نظر هیرشی
	دلستگی منسوب به احساسات و علایقی است که یک شخص به دیگران دارد. وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط، و نهادهای اجتماعی، یکی از شیوه‌هایی است که فرد، خود را از این طریق به جامعه پیوند می‌دهد. ضعف چنین پیوندهایی موجب می‌شود که او نگران به‌خطر افتادن روابط اجتماعی خود نباشد؛ برای مثال، امکان دزدی یا خودکشی فرد مجرد، بیشتر از فرد متأهل است و این امر به‌دلیل پیوندهای اجتماعی و وابستگی‌های شخص متأهل است.	دلستگی
	افراد هر جامعه‌ای به‌منظور دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت، وقت و انرژی خود را صرف می‌کنند و به فعالیت‌های متداول زندگی متعهد هستند؛ از این‌رو، به‌منظور حفظ موقعیت و پایگاه اجتماعی که با تلاش خود به‌دست آورده‌اند، مرتکب رفتارهای مجرمانه نخواهند شد.	تعهد
هیرشی بر این نظر است که هنگامی که این تقیدات، تعلقات، و تعهدات ضعیف، و در نتیجه، پیوند افراد با جامعه سست شود (احتمال کج‌روی) بیشتر خواهد بود.	عنصر بیانگر میزان درگیری و مشارکت، در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و امور زندگی روزمره به وقت زیادی نیاز دارد و معمولاً کسانی که درگیر کار، زندگی خانوادگی، و... هستند، کمتر فرصت هنجارشکنی پیدا کرده و وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرایم ندارند، اما اشخاصی که در فعالیت‌های مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری برای انجام رفتارهای مجرمانه می‌یابند؛ به همین دلیل، آسیب‌شناسان اجتماعی معتقدند، افزایش سال‌های تحصیل، انجام خدمت نظام وظیفه، و فراهم بودن امکانات ورزشی، باعث کاهش بزهکاری در میان جوانان می‌شود.	درگیری (مشارکت)
	آخرین مؤلفه نظریه پیوند اجتماعی، اعتقاد یا باور است. هیرشی بر این نظر است که به هر میزان که اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی ضعیف‌تر باشد، احتمال ارتکاب رفتارهای مجرمانه توسط او بیشتر خواهد بود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی‌ای را برای هم‌نوابی با قوانین رسمی و غیررسمی برای خود متصور نیست.	اعتقاد (باور)

هیرشی، مفهوم وابستگی را بر مفهوم درونی سازی ترجیح می دهد، چون وابستگی را می توان مستقل از رفتار انحراف آمیز اندازه گیری کرد، ولی درونی سازی را نمی توان این گونه سنجید. تعهد، جزء عقلانی رعایت هنجارها و به معنای ترس از رفتار قانون شکنانه است. هنگامی که فرد به فکر انجام رفتار منحرفانه یا مجرمانه می افتد، باید خطرات از دست دادن سرمایه گذاری پیشین خود در زمینه رفتار متعارف را در نظر بگیرد. چنانچه فرد توانسته باشد آوازه مثبتی از خود برجای بگذارد، تحصیلات ارزشمندی به دست آورد، خانواده حمایت کننده ای به وجود آورد، یا اعتبار و شهرتی در دنیای تجارت به هم بزند، با نقض قانون، ضرر هنگفتی را متحمل خواهد شد. مجموعه های اجتماعی ای که فرد در سرتاسر عمر خود انباشت می کند، نشان دهنده ضمانت دادن به جامعه است که این فرد به ارزش های متعارف، متعهد است. او با نقض قانون، چیزهای بیشتری را از دست می دهد. نه تنها فرد با چیزهایی که به دست آورده است، به رعایت هنجارها متعهد می شود، بلکه حتی امید به دست آوردن دارایی به شیوه های متعارف می تواند تعهد او را به پیوندهای اجتماعی تقویت کند. در مقابل، کسی که رفتاری می کند که چیزی ندارد که از دست بدهد.

هیرشی بر این نظر است که هنگامی که فرد، درگیر فعالیت های متعارف باشد، وقتش به حدی گرفته می شود که نمی تواند به رفتار انحراف آمیز کشیده شود. مفهوم درگیری، سرچشمه برنامه هایی با تمرکز بر فعالیت های تفریحی مثبت برای پر کردن اوقات فراغت نوجوانان بوده است.

ویژگی اعتقاد، به وجود یک نظام ارزشی مشترک در جامعه ای که هنجارهایش نقض می شوند، اشاره دارد. احتمال اینکه یک فرد هنجارهای اجتماعی را رعایت کند، اگر به آن ها اعتقاد داشته باشد، بیشتر است. هیرشی بر این نظر است که افراد، به لحاظ عمق و میزان اعتقاد با یکدیگر تفاوت دارند، و این تفاوت ها، به میزان وابستگی به نظام های بستگی دارد که نشان دهنده اعتقادات مورد نظر هستند. می توان نتیجه گرفت، بر مبنای این نظریه، هرچه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر، و معتقد باشند، «پیوند» آن ها با جامعه سست تر و احتمال

کج رفتاری شان بیشتر خواهد بود. براساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، هرچه این چهار منبع ضعیف تر شوند، تعهدات افراد به جامعه کمتر شده و ضعف تعهد سبب رفتار انحرافی می شود (Vazsonyi, 2010: 564).

جدول ۳. وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌های هیرشی و آموزه‌های قرآن در مورد کنترل اجتماعی

وجوه اشتراک	وجوه افتراق نظریه هیرشی با قرآن	کنترل اجتماعی از منظر هیرشی	کنترل اجتماعی از منظر قرآن
چهار عنصر وابستگی، تعهد، درگیری، و اعتقاد در کنترل اجتماعی مؤثر هستند. از مسیر علایق و وابستگی‌های اجتماعی، انسان به کنترل درونی می‌رسد. عوامل اثرگذار در جامعه باید به گونه‌ای پیوندها را تقویت و پایش کنند که کج‌رو از درون خود ندایی برای پشیمانی و ترک و جبران احساس کند.	هیرشی مفهوم وابستگی را بر مفهوم درونی‌سازی ترجیح می‌دهد، درحالی‌که قرآن کریم، کنترل درونی و مبارزه با نفس را مقدمه کنترل اجتماعی دانسته است. در نظریه اول هیرشی، کنترل خود جایگاه مهمی نداشته و این درحالی است که قرآن کریم، کنترل خود را عامل مهمی برشمرده است. همچنین، هیرشی در نظریه متأخر خود، ریشه بزهکاری یا بهنجاری را کنترل خود می‌داند، نه کنترل اجتماعی، ولی قرآن، کنترل اجتماعی و قانون‌گذاری، اطلاع‌رسانی، کنترل ارزشی، و کنترل عاطفی را دخیل می‌داند؛ بنابراین، در هردو نظریه هیرشی، وجه افتراقی وجود دارد.	کنترل از طریق چهار عنصر: وابستگی تعهد درگیری اعتقاد	کنترل درونی و مبارزه با نفس؛ حکیمانه بودن هنجارها؛ مقبولیت دعوت‌کنندگان به بازگشت از کج‌روی؛ نظارت محسوس و نامحسوس؛ مقبولیت ناظران و حاکمان؛ قدرت ناظران و حاکمان بر تنبیه کج‌روان؛ پیشگیری از هم‌نشینی با کج‌روان؛ نهادینه شدن نظارت همگانی (امربه معروف و نهی از منکر) در جامعه؛ حمایت از اشخاص در معرض خطر و قربانی کج‌روی؛ فراهم بودن زمینه پذیرش کج‌رو، پس از بازگشتن او از کج‌روی؛ پاسخ مناسب به توجیه‌های کج‌روان.

نتیجه‌گیری

بین هنجارها و نظارت اجتماعی، رابطه مستقیمی وجود دارد؛ به این معنا که هرچه هنجار دینی در جامعه بهتر تحقق پیدا کند (از طریق امر به معروف و نهی از منکر)، نظارت و کنترل اجتماعی بیشتر تقویت می‌شود و جامعه به سوی نظم اجتماعی حرکت می‌کند و در نتیجه، میزان جرایم کاهش می‌یابد. از آنجاکه داشتن باورهای درست یکی از مهم‌ترین ارکان اسلام است، قرآن کریم، مهم‌ترین کج‌روی‌ها را به این حوزه مربوط دانسته و برخی از آنها را نابخشودنی می‌داند. شرک به خدا یکی از این موارد است؛ بی‌تردید، خدا شرک را نمی‌بخشد و غیر از آن را برای

هر که بخواهد، می‌بخشاید، و هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین گناه بزرگی مرتکب شده است.

برخی دیگر از کجروی‌ها، به حوزه امور اخلاقی و سلامت اخلاقی جامعه مربوط می‌شوند (مانند مواردی از قبیل اشاعه فحشاء، تهمت، غیبت، منت گذاشتن، دروغ، خیانت، نقض عهد، بخل، و...) و هدف از ارائه راهکارهای کنترلی در این باره، برقراری نظام اخلاقی سالم در جامعه است. برخی دیگر از این کجروی‌ها، تخلف از هنجارها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و خانوادگی هستند. مواردی مانند رباخواری، دزدی، اکل مال به باطل، و رشوه، از تخلف‌های اقتصادی هستند. هدف از ارائه راهکارهای کنترلی در این حوزه، تنظیم نظام اقتصادی سالم برای جامعه است.

به لحاظ مفهومی نیز برخی از مفاهیم، به‌طور کلی، بر انواع مختلف کجروی دلالت دارند و به مصداق خاصی اشاره نمی‌کنند؛ مواردی از قبیل اثم، اذی، تعدی، انحراف، خبیث، خطیئه، ذنب، سوء، سیئه، ظلم، فساد، فحشاء، فسق، منکر، و... از این نوع مفاهیم هستند. همچنین، اهرم‌های کنترلی‌ای مانند حیا، ترس، ستایش و نکوهش، مراقبت، و امر به معروف و نهی از منکر سبب کاهش کجروی و هدایت شدن افراد می‌شوند. براساس نظریه کنترل اجتماعی می‌توان از متغیرهایی مانند میزان دلبستگی و تعهدات خانوادگی، دین‌داری جوانان، ساخت خانواده، و نظارت والدین برای تبیین آسیب‌های اجتماعی و جرم استفاده کرد. میزان حمایت عاطفی، اطلاعاتی، و مادی‌ای که فرد از دیگران دریافت می‌کند، به تقویت پیوند او با جامعه کمک خواهد کرد. دریافت حمایت و احساس وجود، منابع حمایتی یا حمایت ادراک‌شده‌ای برای تقویت دلبستگی، تعهد و باور به هنجارهای جامعه، و سرانجام کاهش انحراف و جرم خواهند بود. براساس نظریه هیرشی، این عناصر، با یکدیگر همبستگی زیادی دارند؛ به گونه‌ای که تضعیف یک عنصر، موجب ضعیف شدن بقیه عناصر خواهد شد.

هیرشی، رفتار سازشی را نتیجه پیوندهای اجتماعی قوی با جامعه می‌داند و بر این نظر است که زمانی که فرد به جامعه وابستگی دارد، به جامعه و موفقیت

علمی متعهد می‌شود، در فعالیت‌های مرتبط با جامعه درگیر می‌شود، و اعتقاد پیدا می‌کند که قوانین و سیاست‌های جامعه منصفانه هستند؛ در چنین شرایطی، احتمال انجام فعالیت‌های مجرمانه کم خواهد بود. هیرشی ادعا می‌کند که اگر همه عناصر پیوند اجتماعی سالم باشند، فرد از قوانین جامعه پیروی خواهد کرد. نظریه کنترل، بیش از سایر نظریه‌ها، بر محوریت نقش پیوند با جامعه تأکید می‌کند، ولی یکی از فرایندهایی که در قرآن برای کنترل کج‌روی مطرح شده است، امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن کریم، نظارت بر کنش‌های اشخاصی را که به آگاهی از نظارت خداوند اهمیت نمی‌دهد، به عهده سایر اعضای جامعه گذاشته است. نظارت همگانی بر کنش‌های انسان‌ها، سبب می‌شود که شخص متخلف از هنجار، با عدم تأیید یا مخالفت شدید دیگران، به ویژه دیگران مهم، روبه‌رو شود، و حتی در مواردی، می‌تواند به از دست دادن دوستی و محبت آنان منجر شود؛ این وضعیت سبب می‌شود که شخص، منافع از دست‌رفته را در برابر منافع حاصل از کج‌روی، با ارزش‌تر ببیند و از ادامه و تکرار کج‌روی صرف‌نظر کند. البته روش‌های اجرای این فرایند و دستورالعمل‌های اختصاصی آن، در کتاب‌های فقهی و رساله‌های عملیه مراجع تقلید، بیان شده است. بیان جزئیات احکام امر به معروف و نهی از منکر، نیازمند مراجعه به دیدگاه فقها و پژوهش مستقل فقهی است.

در این پژوهش، براساس آیه‌های قرآن، به بحث‌های کلی این فرایند، به ویژه اهمیت، جایگاه، و روش‌های آن اشاره شده است. با توجه به تأثیرگذاری همنشین بر اشخاص و اثرپذیری آنان از همنشین، قرآن کریم ضمن هشدار پیاپی در این باره، اشخاص را از همنشینی با انسان‌های کج‌رو، منع کرده و افراد مؤمن و باتقوا را به عنوان الگوهای مناسب برای همنشینی معرفی می‌کند. همچنین، قرآن، انسان‌ها را از وجود شیطان و همنشینی او با انسان، آگاه می‌کند و یادآوری می‌کند که شیطان در مواردی می‌تواند با وسوسه خود، زمینه کج‌روی را برای انسان‌ها فراهم کند. در مقایسه دیدگاه قرآن با راهکارهای مطرح شده (همان‌گونه که در جدول تطبیقی آمد) ویژگی ممتاز الگوی ارائه‌شده از دیدگاه آموزه‌های قرآن، جامع بودن آن است، درحالی‌که هیچ‌یک از تبیین‌های کج‌روی، به‌تنهایی با این نگرش جامع به

موضوع کنترل کج روی نپرداخته‌اند، بلکه هریک از نظریه‌پردازان با توجه به میزان شناختی که از انسان، جامعه خود، و آسیب‌های آن داشته‌اند، به تبیین محدود کج روی پرداخته و سپس، راهکارهای متناسب با این تبیین‌ها را ارائه کرده‌اند که جزء محدودیت‌های تحقیق است.

پیشنهاد‌های این پژوهش نیز عبارتند از:

- لزوم تلاش برای انجام پژوهش‌های نظری و پیمایشی به منظور ارائه الگویی مناسب و معرفی نتایج تحقیق به مبلغان دینی برای استفاده از مقاله‌های برگرفته از این پژوهش در سخنرانی‌ها؛

- ایجاد فرهنگ یکدست در جامعه؛

- ایجاد فرصت‌های نسبتاً برابر (کاهش تفاوت‌های موقعیتی و پایگاهی)؛

- اصلاح قوانین و ساختارها در راستای این هدف که برای کج روی پاداشی

وجود نداشته باشد؛

- اجرای کامل و سالم فرایند جامعه‌پذیری، به گونه‌ای که هم جامعه‌پذیر

شوند و هم دارای سلامت روان باشند؛

- فعال و مؤثر شدن فرایند کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی در جامعه؛

- رفع نیازهای فرد کج‌رو: اگر کسی نیازمند بود و برای رفع آن دست به

کج روی زد، تاجایی که ممکن است، نیاز او از طریق مشروع برآورده شود.

کمک و تعاونی که حکومت و همچنین، اجتماع‌های مسلمانان در نماز اعیاد

اسلامی می‌توانند در این زمینه به‌عهده بگیرند، اقدامات مثبتی هستند که نقش

مؤثری در درمان انحراف دارند.

منابع

قرآن کریم

- ابروش، رضا (۱۳۹۱)، «بررسی سازوکارهای نظام کنترل تعاملی در سیره امام علی(ع)»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال دوم، شماره اول، صص ۱۰۵-۱۲۸.
- آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۲)، «استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۹.
- حیدر کوشا، غلام (۱۳۸۹)، «کنترل اجتماعی غیررسمی از منظر آیات و روایات»، معرفت فرهنگی-اجتماعی، سال اول، شماره سوم، صص ۶۹-۸۸.
- محمدی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، «باورهای مؤثر در هدایت و کنترل رفتارهای سازمانی از دیدگاه آیات منتخب قرآن کریم»، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره ۱۳.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی کجروی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶)، «بررسی نیازهای اجتماعی، فرهنگی، و آموزشی دختران دانش‌آموز سراسر کشور»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۱۹.
- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۹۲)، «راهکارهای کنترل اجتماعی خشن از دیدگاه قرآن کریم»، اسلام و علوم اجتماعی، دوره ۵، شماره ۹.
- _____ (۱۳۸۶)، اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر، تدوین محسن طوسی، قم: دارالحدیث.
- متولی‌زاده نایینی، نفیسه (۱۳۹۶)، «نظریه کنترل اجتماعی با نگاه به آیات و روایات؛ با تأکید بر تعاون و حمایت»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال نهم، شماره ۳۳.
- معین، سعیدرضا؛ افشاری، نادر؛ بوستانی، زینب (۱۳۹۰)، «کنترل و نظارت از دیدگاه قرآن، نهج‌البلاغه، و سیره نبوی (ص)»، نهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تهران: گروه پژوهشی صنعتی آریانا.

Brownfield, David and Marie Sorenson, Ann (2005), Self-Control and Juvenile Delinquency: Theoretical Issues and an Empirical Assessment of

Selected Elements of a General Theory of Crime", *Deviant Behavior*, No.14, pp243-264.

Hirschi, Travis and Gottfredson, Michael (1993), "Commentary: Testing the General Theory of Crime", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 30(1), pp 47-54.

Regoli, Robert M, Hewitt, John D and Delisi, Matt (2009), "Delinquency in Society", Jones and Bartlett Publishers, Vol. 18, Issue 3, pp 219–343.

Starks, H., Brown Trinidad, S. (2007), "Choose Your Method: A Comparison of Phenomenology, Discourse Analysis, and Grounded Theory", Grasmick, Harold G., Charles R. Tittle, Robert J. Bursik, Jr., and Bruce J, pp.5-29.

Vazsonyi, Alexander T, Jenkins, Dusty D. (2010), "Religiosity, Self-Control, and Virginity Status in College Students from the Bible Belt: A Research Note", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 49 (3), 561–568.

